

## بررسی نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

همت‌الله شمولی<sup>\*۱</sup>

### چکیده

در اندیشه امام خمینی (ره) دو عنصر تجر و جزم‌اندیشی؛ و خودباختگی آفت بیداری اسلامی است. مؤلفه اصلی بیداری اسلامی حاضر در جهان رویکرد پایدارانه امام خمینی (ره) است که نویدبخش بیداری ملل مستضعف جهان است. بی‌تردید اندیشه امام (ره) که در ادبیات گفتاری و نوشتاری وی متبلور است، بن‌مایه اصلی در بیداری اسلامی ملت مسلمان ایران و سایر کشورهای اسلامی و حتی سایر ملل غیرمسلمان در دوره معاصر و متأخر محسوب می‌شود. ایشان از بزرگ‌ترین پایه‌گذاران بیداری اسلامی در جهان است. موضوع بیداری اسلامی در نگاه امام (ره) با موضوع صدور انقلاب نیز ملازمه دارد. از اقدامات عملی ایشان برای صدور انقلاب این نکته دریافت می‌شود که برای تحقق این مهم (صدور انقلاب) نیازی به کاربرد زور نیست، بلکه تأکید بر آگاهی بخشی و بیداری اسلامی است. آگاهی و انسجام ملت، تکیه بر اسلام در مبارزه علیه قدرت‌های شیطانی، دعوت به ایمان و وحدت اسلامی، تقویت روحیه ایمان، اعلام حمایت همه‌جانبه از بیداری اسلامی است. پرسش مقاله این است که از دیدگاه امام خمینی (ره) بیداری اسلامی چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیداری اسلامی، برانگیختن روح تعهد بیداری و خودباوری و ظلم‌ستیزی ایشان نسبت به مسلمانان منطقه و تأکید بر عدم جدایی دیانت از سیاست، جهانشمولی حکومت اسلامی، لزوم حمایت و دفاع از مظلومان جهان، نفی سبیل و عدم تعهد به دول شرق و غرب، استکبارستیزی، تأکید بر امت واحده و نفی ملی‌گرایی و الگویی برای بیداری اسلامی و انقلابی برای سایر کشورها و ملت‌های مظلوم و ستمدیده جهان ترسیم نمودند.

**واژه‌های کلیدی:** امام خمینی (ره)، بیداری اسلامی، ملل مستضعف، ایمان، خودباختگی.

۱. گروه دفاعی امنیتی، پژوهشکده انتظامی امنیتی، اجتماعی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا

\* نویسنده مسئول: hshamouli@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

## مقدمه

بیداری اسلامی در اصطلاح به پدیده‌ای اجتماعی گفته می‌شود که به معنای بازگشت بیداری و هشیاری امت اسلامی است تا مسلمانان به یک خودباوری رسیده و برای بازگشت به کرامت و استقلال سیاسی-فکری-اقتصادی-فرهنگی خود در راستای ایفای نقش طبیعی خود تلاش کنند.

## پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی فراوانی درباره اندیشه امام خمینی (ره) انجام شده است. اما در پژوهش‌های مذکور، عمدتاً اندیشه سیاسی و فقهی ایشان در مورد بیداری اسلامی، تحلیل گردیده و در تعداد کمی از پژوهش‌ها اندیشه اجتماعی توسعه‌ای امام بررسی شده است. برای همین منظور در پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد توسعه مردم‌محور، جنبه‌های اجتماعی - توسعه‌ای اندیشه امام خمینی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه صرفاً پژوهش‌های مرتبط با موضوع ذکر می‌شود.

از جمله پژوهش‌های مذکور می‌توان بررسی آقای ابوذر مظاهری مقدم (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان بیداری اسلامی و نقش آن در فرایند تحقق تمدن اسلامی بسط انقلاب اسلامی تا تمدن اسلامی را در پنج مرحله می‌توان مرحله‌بندی کرد. انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، ملت اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی، تحولات اخیر منطقه و کشورهای اسلامی در واقع مرحله سوم از این فرایند را محقق می‌سازد. بیداری که از انقلاب اسلامی نشأت گرفته است، در مرحله اول ملت‌های اسلامی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و این موجبات شکل‌گیری ملت اسلامی را فراهم خواهد کرد. تحقق تمدن اسلامی به عنوان بسط یافته‌ترین شکل حاکمیت اسلامی وابسته به تحقق دولت اسلامی و دولت اسلامی و بسته به شکل‌گیری ملت اسلامی است. خانم بتول یوسفی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان بررسی جریان بیداری اسلامی در قرن معاصر با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله سیدعلی خامنه‌ای جهان اسلام از ابتدا تاکنون صعود و نزول‌هایی را پشت سر گذاشته که محققان برای آن علل و عواملی را ذکر کرده‌اند. جهان اسلام در چند قرن اخیر نیز با هجوم استعمار و استبداد داخلی بار دیگر یک نزول را تجربه کرده که پس از چندی مصلحان و متفکران در پی چاره‌جویی افتاده تا بار دیگر عزت و عظمت را به اسلام و مسلمین برگردانند. مصلحانی که آشنایی با تعالیم اسلام داشته و گذشته پرافتخار مسلمانان را باور داشتند، تنها راه نجات را در "احیای هویت اسلامی" و "بازگشت به اسلام" دیده و جریان بیدارگرانه‌ای را به راه انداختند.

آقای سیدمحمدتقی حسینی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان تمدن اسلامی و غرب به بررسی این مسئله که ایران از جمله فعال‌ترین و نقش‌آفرین‌ترین کانون‌ها در حوزه تمدن اسلامی بوده است. این کانون بعد از انقلاب اسلامی و با مطرح کردن اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) متفاوت از آنچه که جریان غالب در نظام بین‌المللی بوده است، فرایند جدیدی را نمودار کرده است. این فرایند همراه با توفیق‌ها و چالش‌های زیادی بوده است. عمده‌ترین تأثیر اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی شکل‌دهی تدریجی به نوعی جدید از نگرش در سیاست و فرهنگ بوده است که البته در حوزه جغرافیایی ایران باقی نمانده است.

آقای مصطفی کلانی (۱۳۹۹) در کتاب خود با عنوان بیداری اسلامی به بررسی سیاست راهبردی سلطه استکباری سرمایه‌داری و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین دولت استکباری و رهبر جهان سرمایه‌داری، در قبال بیداری اسلامی و استراتژی مقابله با حرکت‌های مبارزاتی ناشی از آن پرداخته شده است. عمده مطالب این کتاب برگرفته از کتاب‌ها و نشریات مختلف است، همچنین در این تحقیق از بیانات رهبر انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) و وصیت‌نامه ایشان استفاده شده است.

## ضرورت موضوع

اندیشه حضرت امام پویا، تأثیرگذار و راهگشااست بدین جهت این اندیشه باید تبیین و ترویج شود و با کمک و استفاده از آن مسائل مختلف جامعه را پاسخ‌گو بود و معضلات و بحران‌ها را مدیریت و حل‌وفصل کرد. بنابراین بازخوانی اندیشه، آرا و سیره حضرت امام یک ضرورت تاریخی برای حال و آینده است تا احاد ملت به‌ویژه نسل جوان جامعه ما با این مهم آشنایی پیدا بکند.

## فرضیه پژوهش

بیداری اسلامی، موج پر عظمت اسلام، ملت‌های محروم و تحت ستم سراسر عالم را تکان داده است و در واقع گفتمان حضرت امام خمینی (ره) تحقق یافته است.

## پرسش پژوهش

پرسش پژوهش حاضر این است که در اندیشه امام خمینی (ره) نظریه بیداری اسلامی چیست؟

بیداری اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام محسوس است؛ حرکت و نهضت عظیمی در مراحل مختلف در همه دنیای اسلام مشاهده می‌شود؛ میل برگشت به اصول و مبانی اسلامی، که مایه عزت و پیشرفت و ترقی است. باین حال، صحنه همچنان سیال و نیازمند شکل دادن و به سرانجام رساندن است.

بیداری اسلامی پدیده امروزی نیست. بیداری اسلامی در دهه‌های اخیر در کشورهای اسلامی و در بین مسلمانان سایر کشورها پدیده‌ای است که شگفتی آفریده است. این پدیده از مدت‌ها پیش مورد مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل قدرت‌هایی قرار گرفته که از آن احساس بیم و هراس داشته‌اند و همین قدرت‌ها برای فهم و شناسایی بیداری اسلامی و یافتن راه‌های مقابله، انهدام و به انزوا کشیدن این موج؛ تلاش‌های گسترده‌ای را شروع کرده‌اند. امام خمینی (ره) برای نخستین بار گفتمان بیداری اسلامی را به «عمل سیاسی» تبدیل و آن را وارد حوزه عمل همه توده‌های مسلمان و همه مستضعفان جهان کرد.

تلور عینی اندیشه‌های الهی - سیاسی امام از نفی وضعیت موجود در ایران و برچیده شدن سلطنت پهلوی و قطع شدن دست بیگانگان از سرنوشت کشور شروع و تا تشکیل حکومتی مبتنی بر اسلام ادامه یافت که البته در مسیر تکاملی خویش تلاش دارد به جامعه‌ای آرمانی تبدیل گردد که نظامی اسلامی، توسعه یافته و عدالت محور گردد، اما باید دید اگر این آرمان بلند امام و ملت تحقق یابد و ایران شاهد حکومتی باشد که شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» را با تمام گستره آن به جهانیان نشان دهد آیا جامعه آرمانی امام نیز رخ نموده و ایشان چیزی بیش از این در سر نپرورانده‌اند؟ از گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی به دست می‌آید که تشکیل چنین حکومتی، تنها پیمودن بخش اندکی از راه است و حتی در این صورت نیز «کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه و پایداری‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰۰). امام خمینی تشکیل چنین حکومتی را یک الگو و نمونه می‌داند که باید با استفاده از آن و پایداری بر اصول والا و نجات بخشش، جهان را به سوی آینده‌ای بسیار روشن و بهتر رهنمون سازد.

## چیستی و تعریف بیداری اسلامی

بیداری در فارسی، مترادف واژه‌های «الصحوه»، «الوعی» و «یقظه» در زبان عربی است. بیداری اسلامی جریانی است که در کشورهای اسلامی شکل گرفته است و نوعی هم‌پوشانی یا ترابط مفهومی با مقول‌هایی مانند: اصلاح دینی، احیاگری دینی، اسلام‌گرایی و مانند آن دارد. بیداری، ضد خواب است و در معنای فعال شدن هوش (آگاهی) به کار می‌رود. بنابراین بیداری اسلامی به مفهوم ظهور اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است. بر این اساس، حیات برین از دین به دست می‌آید و تنها از دین، قابل دریافت است؛ زیرا خداوند به انسان و جهان حیات بخشیده است و پیامبرش ما را به آن چه زنده می‌کند، فرا می‌خواند. بنابراین، بیداری اسلامی به مفهوم زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل است.

ضرورت بیداری ملت‌ها، باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛ همان‌طوری که در ایران، ملت ایران بود که فاجعه‌ای که برای اسلام به دست آمریکا و سرسپردگان او - که رژیم منحوس پهلوی است - پیش می‌آمد، همین جوان‌های ایران بودند و همین ملت ایران، ارتش ایران، نیروهای دریایی و هوایی و زمینی و سپاه پاسداران ایران بود که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت‌ها را گره کردند و با مشت، تانک‌ها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت‌ها یک همچو بیداری پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به آمریکای جنایتکار و سایر ابرقدرت‌ها هستند. با داشتن آن همه ذخایر، آن همه امکانات (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳۲۵).

به بیان دیگر، بیداری اسلامی، در معنای تجدید حیات اسلام به کار می‌رود که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و متعالی، بار دیگر زنده می‌شود یا حیات ابدی می‌یابد. احیاگری اسلامی نوعی احیاگری دینی است، البته نه آن اصلاح دینی که در غرب رخ داده است؛ زیرا در اصلاح دینی به معنی غربی، دین به گونه‌ای دستخوش تغییر و تبدیل قرار می‌گیرد که دیگر جامعه، دینی نمی‌شود، بلکه دین با زمانه پیش می‌رود. در نتیجه، دین از عرصه حیات اجتماعی خارج می‌شود، ولی بیداری و احیاگری اسلامی، زنده داشتن انسان و حیات اجتماعی بر مبنای دین و به شیوه دینی است. به همین دلیل، غبار از سیمای دین زدوده و صورت و سیرت دین آشکار می‌شود که در نتیجه این اقدام، دین به عرصه حیات آدمی باز می‌گردد. به بیان دیگر، بیداری اسلامی مهجوریت‌زدایی از دین یا بازپیرایی و واخوانی گزاره‌ها و آموزه‌های اسلامی از اجمال و ابهاماتی است که بر سیمای دین نشست است. از این رو، می‌توان گفت، اگر خواب، برادر مرگ است، بیداری دست در آغوش زندگی دارد (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۵۹).

بیداری اسلامی برخلاف تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ بدین مضمون است: ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش‌های ناب و راستین گذشته است؛ شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مؤمنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آن بی‌بهره‌اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب‌ماندگی ما ناشی از دور شدن از اسلام است. بنابراین اگر بخواهیم دو عنصر شرمندگی و بازگشت را در یک عبارت خلاصه کنیم، باید گفت معنا و پیام بیداری اسلامی، این است که به اسلام ناب بازگردیم تا عزت گذشته خویش را بازباییم یا عزت بر باد رفته خود را به دست آوریم (شیرودی، ۱۳۸۸: ۴).

تاریخ جوامع اسلامی تاکنون با نهضت‌ها، جریان‌های فکری و جنبش‌های مختلفی رو به رو بوده است. به دلیل وجود بحران‌های داخلی که حول استبداد و استعمار در این کشورها شکل گرفته بود جریان اصلاحی برخاسته از زمینه‌های مذهبی و فرهنگی این کشورها پدید آمد. این جریان که ماهیتی اسلامی داشت در دهه‌های اخیر برجستگی خاصی پیدا کرده است. بحران داخلی جوامع مسلمان و نفوذ و سلطه استعمار بر فراز و نشیب این جریان افزود. بررسی جریان بیداری اسلامی بیان‌گر هویت تقابلی این جریان در برابر غرب است که موجودیت آن را شکل داد و اعتراض‌ها و خیزش‌هایی را بر این اساس شکل داد. این تحولات که در غرب از آن به عنوان بهار عربی یاد شد؛ آغاز نوینی برای موج بیداری اسلامی گردید. اتفاقاتی که خود تقابل دو جریان اسلامی و غربی را به رخ کشید. تقابلی که تحولات جهانی را تحت تأثیر خواهد گذاشت. (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۲۱)

همان‌گونه که از معنای بیداری اسلامی آشکار است، مراد از کلمه بازگشت، سیر ارتجاعی و معکوس در تاریخ نیست؛ یعنی مراد از بازگشت، بازگشت به گذشته سیاه و سیر قهقرایی در تاریخ نخواهد بود، بلکه منظور، بازگشت به اسلام و توبه از به کنار نهادن اسلام و جبران عمل نکردن به دین دنیوی است. به عبارتی، بیداری اسلامی، یعنی از آنجا که ما در عقیده، اخلاق و عمل اجتماعی، از مفاهیم و ارزش‌های اسلامی بسیار فاصله گرفته‌ایم، باید هر آنچه در توان است، به کار گیریم تا کوتاهی‌های چند قرن اخیر را جبران سازیم. هدف از این بازگشت، ساختن یک تمدن جدید اسلامی با به کارگیری ارزش‌های خالص اسلامی و تجربه انسان تمدن بشری است. از این رو، هدف نهضت بیداری اسلامی، تشکیل یک تمدن محمدی جهانی است که در آن، عقلانیت با معنویت، قدرت با اخلاق، دانش با ارزش و علم با عمل جمع می‌شود (شیرودی، ۱۳۸۸: ۶-۵).

### بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)

نظریه امام خمینی درباره مسائل کلی جهان اسلام را باید ادامه نظریه‌ها و تفکرات جریان نهضت بیدارگری و احیاء تلقی کرد (ثمودی، اکبری، ۱۳۹۰: ۷۹). معرفی اسلام به عنوان دینی جامع، کامل و الهی به جهانیان و صدور انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر از اهداف بلند امام خمینی بود. الگو قرار گرفتن انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی و تلاش مسلمانان در راه نزدیک شدن به ارزش‌ها و قوانین اسلامی و حرکت در مسیر تشکیل حکومت اسلامی همان بیداری اسلامی است که امام خمینی (ره) در راه تحقق آن گام برداشته و همه کشورهای جهان را به قیام علیه حاکمان ستمگر می‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد از انقلاب اسلامی ایران الگوبرداری کنند تا از زیر بار ظلم و ستم رها شوند. نهضت امام خمینی اوج گرایش اصول‌گرایی اسلامی

است که دیگر جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان تحت تأثیر موفقیت ایشان در تأسیس جمهوری اسلامی توانا شدند (قاسمی آرانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

مسلمانان، در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید: وای مسلمانان در همه بلاد و اقطار عالم بپاخیزید! وای علمای اعلام جهان اسلام به داد اسلام و بلاد مسلمین و مسلمانان برسید! و در هر گوشه و کنار، همچون ملت ایران و دولت آن و علما و بزرگان این سامان، دست رد به سینه ستمکاران غرب و شرق زنید، و عمال و کارشناسان دروغین و مستشاران نفت‌خوار آنان را از بلاد خود بیرون بریزید؛ و همچون سلحشوران ایران، شهادت را بر ذلت و شرف اسلام و انسانی را بر رفاه و عیش چند روزه توأم با خواری و شرمساری ترجیح داده، و در میدان نبرد سیاسی و نظامی بر آنان چیره شوید؛ و از هیاهوی تبلیغاتی آنان باک نداشته باشید که خداوند تعالی با شماست: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۴).

تفکر و طرح امام خمینی در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سیدجمال، به دنبال توسعه و تجدد بودند و برخی هم به صورت کم رنگی بر هویت تأکید می‌کردند. امام خمینی همان گونه که به دنبال احیای هویت اسلامی بودند، توسعه نیز در گفتمان وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود، توسعه‌ای که در چارچوب هویت اسلامی تعریف می‌شد. نظریه سیاسی امام منحصراً در قالب و شکل اسلامی مطرح می‌شد و همین امر موقعیت و ویژگی متمایز به امام خمینی در جنبش اسلام‌گرایی در جهان اسلام می‌دهد. حضرت امام خمینی (ره) معلم بزرگ بیداری اسلامی بود که در طول دوران مبارزه و رهبری با بیان سخنان و رهنمودها و مواضع خود زمینه‌های رابطه را در میان ملت‌های مستضعف و مسلمان فراهم آورد و با نگاهی همه جانبه نظریه بیداری اسلامی را تبیین کرد و به ابعاد گوناگون آن پرداخت.

شاید بتوان گفت یکی از اصلی‌ترین عواملی که امام (ره) را از بسیاری افراد و مبارزین دیگر متمایز کرد و موجب پیروزی نهضت ایشان در ایران شد، قاطعیت عمل ایشان در مقابله با طاغوت و ظلم و جور آن‌ها بود و اینکه ایشان در این زمینه هیچ گونه سازشی را نمی‌پذیرفتند. مثلاً در جریان مشروطه هم موقعیت مناسبی برای رهبران آن به وجود آمد، لکن آنچه که موجب عدم پیشبرد بهتر شد، تسامح و تساهل و سازشی بود که آن‌ها پیش گرفتند (نجفی، ۱۳۸۶: ۲۷). بیداری اسلامی که از در زمان مشروطه شروع شد، مولد یک علت بود، ملتی در اینجا به قدرت خودش پی برد و دیگر حاضر نشد برگردد، آنها دستیابی خواسته‌ها را حق خودشان می‌دانستند، نمی‌خواستند کسی به آنها لطف کند. دربار قاجار اگر می‌خواست چیزی دهد، می‌گفت ما لطف می‌کنیم که در فرمان مشروطه هم آمده است. این حق کم کم برای مردم مسلم شد، در بعد بالاتر خودش، قیام تنباکو جنبش مشروطه و این جنبش تمام حرکت‌های بعد از خودش را تحت تأثیر قرار داد.

قیام مردم ابتدا سلطنت را حذف کرد و در گام بعدی هم مسوولی را که بخواهد به مردم لطف کند، مردم لطف نمی‌خواهند. حقوقی دارند و باید آن را به دست بیاورند. امام (ره) یکی از معدود رهبرانی بود که این نکته را درک کرد و حقوق آنها را زنده کرد. یا سلطه آمریکا و استکبار بر بسیاری از کشورهای اسلامی نتیجه سازش آن‌ها با ابرقدرت‌ها می‌باشد. اما یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امام خمینی (ره) درباره بیداری این است که ایشان سازش با ابرقدرت‌ها را ظلم بر بشر می‌دانند و می‌گویند: «سازش با ظالم، ظلم بر مظلومین است، سازش با ابرقدرت‌ها، ظلم بر بشر است. آن‌هایی که به ما می‌گویند سازش کنید، آن‌ها یا جاهل هستند یا مزدور» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۵۰۰).

حضرت امام، همانطور که خودشان فردی پرهیزکار و عارف بودند و پس از سال‌ها خودسازی و کسب معارف عالی و نیل به درجات والای انسانی و اخلاقی، نهضت اسلامی ایران را شروع کردند؛ لذا همواره بر خودسازی و تزکیه نفس تأکید فراوان دارند. با مطالعه در آراء ایشان می‌توان دریافت که عدم تزکیه و خودسازی را عامل بسیاری از مشکلات مسلمانان می‌دانند و ظلم کردن و پذیرش ظلم را هم نتیجه همین مسئله می‌دانند. لذا یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در نگاه حضرت امام نسبت به بیداری و مقابله با ظلم دیده می‌شود این است که ایشان بی‌تفاوتی نسبت به ظلم و خود ظلم کردن را نتیجه عدم تزکیه و خودسازی افراد می‌دانند و تزکیه را مقدمه نفی ظلم می‌دانند. «زیر بار ظلم رفتن مثل - ظالم - ظلم کردن، هر دو از ناحیه عدم تزکیه است. ... تزکیه، ذکر اسم الله و صلوة، این‌ها مراتبی است، اگر ما به این رسیده بودیم، نه حال انفعالی پیدا می‌کردیم برای پذیرش ظلم و نه ظالم بودیم. همه از این است که تزکیه نشدیم. دولت‌ها تزکیه نشدند و نخواهند شد - مگر خدا عنایت کند - و ظالمند. ملت‌هایی هم

که تزکیه نشده‌اند، بار ظلم را به دوش می‌گیرند» (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸: ۴۹۹).

از مؤلفه‌های بیداری اسلامی در نگاه امام این است که ایشان همواره بر بیداری همه ملت‌ها، صرف‌نظر از جغرافیایی که در آن قرار دارند تأکید کرده‌اند و مبارزه را در هر کجا که باشد مدنظر دارند. مقابله با ظلم و مبارزه با طاغوت را منحصر در جا و مکان خاصی نمی‌دانند و تأکید دارند که مسلمانان در هر کجای عالم که هستند نباید اجازه جور حاکمان را بدهند. «برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه، صورت بگیرد آنجا خواهم بود» (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۰۱).

### انقلاب اسلامی و عوامل بیداری جهان اسلام

۱- ماهیت انقلاب اسلامی: ظهور دیدگاه مبتنی بر بیداری اسلامی را در انقلاب اسلامی می‌توان در تفکر سیاسی امام خمینی (ره) جست (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۵). انقلاب اسلامی ایران همان‌گونه که شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی داخلی را دگرگون ساخت و تغییرات غیر قابل انکاری در ارزش‌های ملی به وجود آورد، تحولات چشمگیری نیز در کشورهای اسلامی و عرصه بین‌المللی در پی داشت. انقلاب اسلامی ایران، واقعه‌ای تاریخی در گوشه‌ای از جغرافیای پهناور جهان نبود؛ این انقلاب، یک منظومه فکری است که به دنبال یافتن راه حلی برای مشکلات جوامع اسلامی است (امرای، ۱۳۸۳: ۱۷۷). این انقلاب براساس مبانی عقیدتی خود، واکنش به اوضاع نابسامان کشورهای اسلامی و عزت و اقتدار پایمال شده آنان است؛ طبیعی است چنین نگاهی نمی‌تواند در بند محدودیت‌های جغرافیایی و تاریخی باشد (حسین‌زاده، عارفی، ۱۳۹۱: ۶۱).

پرتو افشانی فجر انقلاب شکوهمند اسلامی تأثیرات شگرفی در روشنایی و بیداری جهان اسلام گذاشت و درخشش نور نظام مردم‌سالاری دینی منشأ تحولات گسترده‌ای در خاورمیانه شد؛ ماهیت انقلاب در پرتو اندیشه‌های متعالی و جهان‌شمول و احیاگر امام خمینی (ره) که بر پایه‌های مستحکم مبانی دینی استوار بود، نقش اول را در صدور انقلاب و دینداری اسلامی بر عهده داشت (شیدائیان، ۱۳۹۱: ۴۲). ایشان در اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، گسترش امواج انقلاب را اصل تفکیک‌ناپذیر جنبش اسلامی ایران نامید و رسماً اعلام نمود:

ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب، اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله (ص) بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۴۸).

در واقع امام خمینی (ره) بر مبنای اهداف توحیدی و هدایت‌گرانه آموزه‌های اسلامی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران را منشأ تحرک و پویایی در جهان اسلام و بیداری اسلامی را شعبه‌ای از انقلاب اسلامی معرفی می‌کند و اقتدار کانون بیداری اسلامی را اقتدار همه مسلمانان جهان می‌داند:

اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلاور ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۳۴۵).

۲- هشدارهای امام: نگاه امام از جایگاه رهبری نظام دینی در حفظ و گسترش اسلام و نیز تلاش برای سیاست‌گذاری راهبردی در جهت رهایی مسلمانان از وضعیت تأسف‌آور ستم‌پذیری و همچنین طرح‌ها و توطئه‌های عمیق و پیچیده دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیشروی همه جانبه در قلمرو کشورهای اسلامی باعث گردید که امام خمینی در اولین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به مناسبت‌های مختلف در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود بانگ بیدار باش دهد و زنگ خطر را برای مسلمانان جهان به صدا درآورد و صدا زند که:

ای مسلمانان جهان و ای مستضعفان، بپا خواسته؛ و ای دریای بی‌پایان انسان‌ها برخیزید و از کیان اسلامی و ملی خویش دفاع کنید (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

۳- بیداری فطرت‌ها: براساس آیه «فَطَرَتَ اللّٰهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، ۳۰) انسان‌ها بر فطرت توحیدند و بنابراین بشر فطرتاً کمال‌خواه و حق‌طلب است و اگر حقایق هستی و دینی را به طور صحیح دریافت کند، حتماً می‌پذیرد؛ اما گاه گرد و غبار تبلیغات

دروغین قدرت طلبان و استثمارگران مانع بیداری اسلامی این ودیعه الهی است. بنابراین انقلاب اسلامی ره‌آورد روحیه فطرت ظلم‌ستیزی و کمال‌خواهی و عدالت‌طلبی مردم ایران است. به همین دلیل امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی را عامل اصلی بیداری فطرت‌ها می‌داند:

... مسائلی که ما مطرح کرده‌ایم و ملت ایران قیام بر آن کرده است، انسانی است و هر انسانی که هنوز فطرتاً انسان است با آن همراهی خواهد کرد (امام‌خمینی، ۱۳۷۸: ۴۹۱).

۴- نسیم بیداری در سراسر جهان: امروز که نسیم بیداری در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌های فریب‌آفرین ستمکاران تا حدودی فاش شده است، وقت آن است که دلسوختگان واقعی مظلومان از هر قوم و قبیله و در هر مرز و بوم با قلم، بیان، اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آن پرده بردارند و پرونده‌های تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند. علما و دانشمندان سراسر جهان به ویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یک دل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطه ظالمانه این اقلیت حیل‌باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجال‌ها، سلطه ظالمانه خود را بر جهانیان گسترده‌اند، بپاخیزید و با بیان و قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزدایند (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۱۴۸).

### راهکارهای امام در گسترش و تقویت بیداری اسلامی

صدور انقلاب و بیداری ملت‌ها: حالا بسیاری از ملت‌ها با ما همراه‌اند. نهضت ما دارد توسعه پیدا می‌کند، و می‌رود توی ملت‌ها. ملت‌هایی که ببینند که ملت ایران در مقابل یک قدرت بزرگ ایستاده و پیش برده، یک قدرت شیطانی را که همه قدرت‌ها دنبالش بودند یک ملتی ایستاده و ایستادگی کرده و پیش برده، سایر ملت‌ها هم گرفتارند دیگر. آن‌ها هم همین گرفتاری‌هایی که ما داریم، دارند. مصر به دست سادات و جاهای دیگر هم به دست دیگران. همه ملت‌ها مبتلای به دولت‌هایشان هستند. آن‌ها هم می‌خواهند از زیر این بار بیرون بیایند، وقتی دیدند که ایران قیام کرد و پیش برد، ولو کشته داد اما پیش برد، دیگران هم همین فکر در مغزشان پیدا می‌شود. ملت‌های دیگر هم همین معنا را می‌خواهند. آن‌ها هم همین کار را خواهند کرد (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۳۶).

همگام با پیشرفت تحول روحی و معنوی مسلمانان جهان در پرتو بیداری اسلامی، امام خمینی (ره) با تکیه بر اندوخته‌های علمی و تجربیات رهبری نظام اسلامی، مسلمانان جهان را به چند محور اصلی توجه می‌دهد تا ضمن سلامت و اصالت بیداری اسلامی، این جنبش دینی از انحراف و استحاله یا شکست مصون بماند. این محورها عبارتند از:

الف) بازگشت به اسلام اصیل (اسلام ناب محمدی): رشد تفکرات ناسیونالیستی، ملی‌گرایی و تعصبات قومی و همچنین اندیشه‌های التقاطی و یا گرایش به اسلام آمریکایی، رفاه‌طلبی، سازش و سازماندهی نیروهای مبارز در قالب احزاب سیاسی که از فرهنگ غربی کلیشه‌برداری شده است، بخشی از مشکلات اساسی جهان اسلام است. امام خمینی (ره) با نفی کامل فرهنگ غربی، مسلمانان را به شناخت و عملکرد براساس معیارهای اسلام اصیل فرا می‌خواند تا هم اسلام اصیل از مهجوریت رهایی یابد و هم مسلمانان سرفراز گردند:

اسلام همه چیز برای مسلمین آورده است، همه چیز. قرآن در آن همه چیز است، لکن مع الاسف ما استفاده از آن نکرده‌ایم؛ و مسلمین مهجور شده‌اند... باید مردم را توجه داد، گرایش داد به اسلام (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۲۰).

ب) بازیابی هویت ملی: غفلت سالیان و بلکه قرن‌های متمادی مسلمانان جهان از ذخایر و گنجینه‌های ارزش دین و همچنین رسوخ فرهنگی غیردینی غرب در سراسر قشرها و کشورهای اسلامی، از جهان اسلام یک امت استثمار زده پدید آورده بود که برای دستیابی به پیشرفت‌های صنعتی، غرب را قبله آمال خود قرار داده است. امام خمینی (ره) توجه به هویت ملی و اصالت فرهنگی جهان اسلام را به عنوان یک راهبرد اساسی رهایی مسلمانان از چنگال وابستگی فکری و فرهنگی می‌داند و معتقد است تا استقلال فرهنگی بر پایه هویت‌یابی خودی در جهان اسلام صورت نگیرد، بیداری اسلامی راه به جایی نخواهد برد. ایشان برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان احیای میراث دینی و ملی اسلامی جهان اسلام را که توسط توطئه‌های سیاسی فرهنگی بیگانگان در اذهان عمومی به فراموشی سپرده است، یادآور می‌شود:

برخیزید و خود را و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۷۹).  
 (ج) همگرایی بر محور مشترکات دینی و سیاسی: اصول و مشترکات وحیانی و آموزه‌های دینی اسلام بهترین زمینه شکل‌گیری وحدت و همگرایی مسلمانان جهان است. پیامبر اکرم (ص) درباره وحدت و انسجام اسلامی مسلمانان می‌فرماید: *إِنَّ الْمُسْلِمِينَ يَدُّ وَاحِدٌ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ* - همانا مسلمانان یک دست و متحد در برابر یکدیگر هستند.

امام خمینی (ره) توجه به اصل توحید و عمل به کتاب وحی را مهم‌ترین پشتوانه همگرایی جهان اسلام می‌داند: چرا باید کشورها که یک همچو پشتوانه عظیم دارند، آن قرآن کریم و اسلام عزیز و خدای بزرگ است، چرا باید با یک همچو پشتوانه ای که آن‌ها را دائم دعوت می‌کند به وحدت و از تفرقه آن‌ها را منع می‌کند چرا باید در مقابل کتاب خدا و در مقابل اسلام عزیز تفرقه بیندازیم؟ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۴۵۲-۴۵۱).

یکی دیگر از وجوه همگرایی تمرکز امکانات فرهنگی، سیاسی و مبارزاتی بر دفع دشمنان مشترک جهان اسلام است. امام خمینی (ره) معتقد است که با تمرکز انرژی و توان بالقوه و بالفعل جهان اسلام بر دفع قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا و حذف سیاسی جغرافیایی رژیم اشغالگر قدس منطقه خاورمیانه، بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین مشکل جهان اسلام حل می‌گردد: دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند و ما را تحت ستم دوباره قرار دهند، این دشمن مشترک را دفع بکنیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۸۹). از نگاه امام این وحدت و همگرایی در جهان اسلام می‌تواند زمینه‌ساز تشکیل بزرگ‌ترین قدرت دینی در جهان را فراهم آورد و معادلات و قطب‌بندی قدرت‌های سیاسی و تعادل قوا را به نفع بیداری اسلامی و حاکمیت اسلام و قدرت مسلمانان تغییر دهد.

## موانع بیداری اسلامی در نگاه امام خمینی (ره)

### ۱- تحریف اسلام و وارونگی مفاهیم دینی

با دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصلی و اصیل اسلامی و دگرگون شدن پیام اولیه عدالت خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی از بالندگی افتاد، دچار انحراف گشت و به خمودی گرای. مفاهیم ارزشمندی از قبیل عدالت، قسط، جهاد، حج ابراهیمی، شهادت، امر به معروف و... به دلیل خطرآفرین بودن آن برای قدرتمندان؛ یا به آفت تحریم دچار گشت و یا به بوته فراموشی سپرده شد. و به جای آن مباحثی از قبیل تقدیر و جبر، حدوث و یا قدیم بودن قرآن و مسائلی از این دست، سال‌ها مهم‌ترین موضوع تفکر دینی و اسلامی می‌گردد، توسط این گونه مباحث دغدغه‌های دینی مردم کنترل شده و محوری برای مشغول کردن اندیشمندان گردیده است.

از طرف دیگر، تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیر اسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمان‌های اسلامی را به انزوا کشانید. بعدها، این مسائل، موجب این پندار شد که اسلام با دوره معاصر، سنخیت ندارد. بیشتر تحصیل کرده‌ها، غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزش‌ها و فلسفه غربی دیدند. امام در دیداری که با برخی مسئولین دارد به این نکته اشاره می‌کند که دشمنان نجات خود را در این دیده‌اند که یا اسلام در این کشورها نباشد و یا لاقلاً محتوا نداشته باشد. هر چند در بخش اول توفیقی نداشته‌اند، اما نسبت به بی‌محتوا کردن اسلام موفق بوده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲۵).

از این رو بسیاری از افراد که به دنبال احیای دین و تفکر دینی در جامعه بوده‌اند از بازنگری در برخی از مفاهیم کلیدی اندیشه اسلامی که پیش از آن به دلیل تعبیرهای غلط موجب ابهام و رکود شده بود شروع کرده‌اند. افرادی از قبیل سیدجمال، محمد اقبال، دکتر علی شریعتی و... به دلیل همین دریافت، چنان روشی را در سرلوحه فعالیت‌های خویش برگزیدند.

### ۲- حکام کشورهای اسلامی

یکی از موانع در فراروی نهضت بیداری، حاکمان و سران کشورهای اسلامی است. اینان استقرار اسلام ناب را، مغایر با منافع شخصی و حکومتی خود می‌پندارند. «مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۲۷۸). «ما امید این را داریم که این نهضت ایران روشن کند مسائل را به همه ملت‌ها و روشن کرده است... ملت‌ها الان با ما هستند، اگر سر نیزه را از این ملت‌ها بردارند از عراق بردارند از - نمی‌دانم - ترکیه بردارند،



همه یک صدا با ما موافقت. سر نیزه جلو را گرفته است منتها ایران سر نیزه را شکست، ایران ایستاد...» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۵۳).

امام حکومت‌های منحرف اسلامی را، عامل قدرت‌های شیطانی دانسته که برای اغفال مردم از راه اسلام علیه اسلام وارد می‌شوند.

#### ۳- تفرقه

برخلاف تصور برخی از سطحی‌نگران، امام وحدت را یک تاکتیک یا ابزار مصلحتی برای پیشبرد اهداف و مقاصد سیاسی انقلاب نمی‌بیند. وحدت را یک اصل اسلامی تعریف کرده و لازمه توفیق در مبارزه با دشمن اصلی و موفقیت در رهایی از وضعیت اسفبار کنونی مسلمین را در گرو همبستگی دانسته است. وی با تمام ارادتی که به اهل بیت دارد، حاضر نیست در مجالس تفرقه افکنانه‌ای که به عنوان حمایت از اهل بیت تشکیل می‌شود، شرکت کند. بالاتر از آن، امام در پی ایجاد جبهه متحد اسلامی بود (شیبانی فر، ۱۳۸۳: ۱۷۷-۱۷۶).

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران، با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت، پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت مردم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان، گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش کنیم... ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۹۱).

دست‌های ناپاکی که به ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی می‌پردازد، درصد محدود کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آثار آن در مناطق سنی مذهب بوده است. امام برای تحقق آرمان وحدت مسلمین از امکانات موجود بهره می‌جستند و در این راستا مسأله فلسطین، روز قدس و حج ابراهیمی و... را مطرح کرده‌اند (شیبانی فر، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

#### ۴- تحجر و جمود مقدس نماها

امام از مقدس نماها به عنوان یکی از موانع شناخت و بیداری اسلامی نام می‌برد و برای گسترش اسلام ناب محمدی، شناخت این مشعل‌داران تحجر و مبارزه با آنان را ضروری می‌دانند. «... آمریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را در آستین دارند. در حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها، مقدس نماها را، که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان، از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. این‌ها با قیافه حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر این‌ها به خدا پناه ببریم... امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی است...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۷۸).

این عده با تظاهر به تعبد و زهد، که از ویژگی‌های این گروه است، بزرگ‌ترین ضربه را در طول تاریخ بر پیکره دین وارد آورده‌اند. نمونه بزرگ این گروه را مارقین؛ در زمان حکومت حضرت علی (ع) تشکیل می‌دادند. چهره‌هایی آراسته و متظاهر به دیانت و زهد که ضربه‌ای بزرگ بر پیکر عدل گستر حکومت امام علی (ع) وارد آورده‌اند. خطر این گروه را نباید کوچک شمرد. اینان، به راحتی ابزار دست دشمنان اسلام واقع می‌شوند. بزرگ‌ترین ضربه‌ها را اسلام در طول تاریخ حیات خود، از این مقدس نماها خورده است. اینان زود فریب می‌خورند و زود تحریک می‌شوند و شایعه را به زودی قبول می‌کنند و پس از آن احساس تکلیف می‌کنند، دلیل این گریز تاریخی به صدر اسلام، شناخت تزویر در درون نظام اسلامی می‌باشد.

«... امروز، جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند... روحیه و افکار خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند...» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۷۳).

#### ۵- روشنفکر نماها

همان گونه که تحجر و جمود از دیدگاه امام مانع بیداری است، دلبستگی به شرق و غرب و خودباختگی در برابر آنان، ملت‌ها را از نزدیک شدن به اسلام باز می‌دارد. ... امروز زمانی است که ملت‌ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خودباختگی و زیونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت‌هاست (شیبانی‌فر، ۱۳۸۳: ۱۸۶). امام در مواردی به روشنفکران توصیه می‌کند، معیار روشنفکری را، پیروزی از داده‌های غربی ندانند. معرفی درست اسلام را وظیفه آنان دانسته و در استقرار یک حکومت عدل، برای روشنفکران نقش اساسی قائلند. و از طرف دیگر انتقادهایی از روشنفکران دارند؛ بی‌تفاوتی نسبت به اسلام، غرب‌گرایی، خودباختگی، بی‌اطلاعی از اسلام، بریدن از مردم از جمله مسائلی است که امام به این قشر گوشزد می‌کنند.

#### ۶- آخوندهای وابسته به قدرت‌ها و دنیاطلب

امام در عین حمایت کامل از روحانیت اصیل و متعهد، انتقادهای بسیار تندی از روحانی‌نماهای وابسته به دربار و قدرت دارند. امام ضمن ابراز تنفر از روحانیت غیر مهذب و متعهد، آنان را از ساواکی‌ها هم بدتر می‌دانند. اینان بهترین ابزاری هستند که خواسته یا ناخواسته، مجری اهداف دیگران قرار می‌گیرند:

«طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی از جنایاتی است که به دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله وعاظ السلاطین که از سلاطین جور سیاه روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند و گریبان چاک می‌کنند و در هر مقطع به امید آن که اساس وحدت بین مسلمین را از پایه ویران نمایند، طرحی برای ایجاد اختلاف عرضه می‌دارند» (پیام امام به زائران بیت‌الله الحرام، مورخ ۱۳۶۰/۰۶/۱۵).

### الزامات تحقق بیداری اسلامی در اندیشه امام (ره)

الف) آگاهی و انسجام ملت: ضرورت بیداری ملت‌ها از جمله مباحثی بود که حضرت امام (ره) برای شروع مبارزه آن را شرط لازم برشمرده و معتقد است: «باید با ملت‌ها در میان گذاشت؛ همان طوری که در ایران، ملت ایران بود که فاجعه‌ای که برای اسلام به دست آمریکا و سرسپردگان او که رژیم منحوس پهلوی است پیش می‌آمد، همین جوان‌های ایران بودند و همین ملت ایران بود... و همین جوان‌های بسیج و عشایر ایران بودند که با هم وظیفه فهمیدند، بیدار شدند و با هم مشت‌ها را گره کردند و با مشت، تانک‌ها را از صحنه بیرون کردند. تا ملت‌ها یک چنین بیداری پیدا نکنند و تا ملت‌ها یک همچون انسجامی پیدا نکنند، باید بدانند که محکوم به حکومت‌های فاسد و محکوم به آمریکای جنایتکار و سایر ابرقدرت‌ها هستند. با داشتن آن همه ذخایر، آن همه امکانات» (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۳۲۵).

ب) تکیه بر اسلام در مبارزات علیه قدرت‌های شیطانی: با افزایش مشکلات مسلمین، بیشتر روشنفکران اسلامی به این نتیجه رسیدند که تنها راه مقابله با مشکلات (اعم از استبداد، استعمار و...) روی آوردن دوباره به اسلام اصیل و ناب است. و ریشه بدبختی‌ها دوری از اسلام اصیل است (موسوی، ۱۳۹۰: ۳). و این همان نکته‌ای است که مورد تأکید امام (ره) بود، بیداری امت‌های مستضعف و مسلمانان تحت ستم در گرو مطرح کردن اسلام‌خواهی آن‌ها است و به پیروزی اسلام اعتقاد کامل داشتند: «من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت را به خاک مذلت می‌نشانند. اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد» (امام‌خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۱۱۸).

طرح این آرمان امام، منوط به داشتن قدرت نیست، مسئله‌ای که عده‌ای را دچار تردید و شبهه می‌کرد: گروهی گمان می‌کنند که چون ما قدرت حاکم کردن اسلام و عدالت را در جهان نداریم، پس وظیفه‌ای هم بر عهده نداریم غافل از آن که انبیای الهی نیز آرمان‌هایی را مطرح نموده‌اند که امکان تحقق آن در عصر و زمانشان نبوده‌است اما با بیانی روشن این شبهه را پاسخ می‌دهند (ورعی، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

ج) دعوت به ایمان و وحدت اسلامی: وحدت اسلامی، تنها راه مبارزه با مستکبران، و عامل اصلی در رهایی ملت‌هاست. امام خمینی (ره) در این باره می‌گویند: «ما به خواست خدای تعالی با آن که بی‌ساز و برگ بودیم و ملت ما در دستش از تفنگ و آلات جنگی چیزی نبود، به واسطه قدرت ایمان و وحدت کلمه بر قوای طاغوتی غلبه کردیم. و من امیدوارم که همه ملت‌های اسلامی بپاخیزند و با وحدت کلمه و با توجه به اسلام و قدرت ایمان، بر اجانب و بر کسانی که می‌خواهند این ملت‌ها را همیشه در تحت اختیار و سلطه خود داشته باشند غلبه کنند. رمز پیروزی مسلمین در صدر اسلام، وحدت کلمه و قوت ایمان بود. باید با قوای کفر

به قدرت اسلامی مبارزه کنیم و دست تبهکاران را از ممالک خودمان دور کنیم. اگر وحدت کلمه اسلامی بود و اگر دولت‌ها و ملت‌های اسلام به هم پیوسته بودند، معنا نداشت که قریب یک میلیارد جمعیت مسلمین زیر دست قدرت‌ها باشد. اگر این قدرت، قدرت بزرگ الهی مُنْضَم بشود به قدرت ایمان و همه با هم برادرانه در راه اسلام قدم بردارند، هیچ قدرتی بر آن‌ها غلبه نخواهد کرد (امام‌خمينی، ۱۳۸۳: ۱۸ و ۱۹).

د) دشمن‌شناسی و قیام همه‌جانبه در مقابل دشمنان: حضرت امام (ره) معتقد است علت اصلی نابودی و شکست ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در مقابل دولت‌های مستکبر، عدم قیام همه‌جانبه قشرهای مختلف است که همین امر باعث از بین رفتن شرافت و ارزش‌های انسانی آنان خواهد شد: «اگر امروز قشرهای مختلف ملت‌ها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن‌بینان متعهد، قیام همه‌جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی اسلامی به دادِ کشورها و ملت‌های تحت ستم نرسند، کشورهايشان بی‌شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبه بیشتر و بیشتر خواهد کشید. و غارت‌گران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزش‌های انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند».

امام خمینی (ره) دشمن‌شناسی را یک تکلیف شرعی می‌داند و همواره بر آن تأکید می‌کند (سلمان‌پور، ۱۳۷۸: ۳۰). یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان برخورداری از بینش عمیق نسبت به دشمن و شگردهای آن و توصیه مردم به هوشیاری در برابر توطئه‌هاست: «کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان، قدرت اسلامی خود را بیابند و از عریده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند» (امام‌خمينی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۶).

هو) تقویت روحیه ایمان و مبارزه در مقابل دولت‌های استعماری: امروز ایران اسلامی به برکت ایمان قوی و تعهد به اسلام و تحول عظیمی که در اقصاء مختلفه حاصل شده است، دست شرق و غرب وانگل‌های منحرف را از کشور خود کوتاه و به هیچ قدرتی اجازه نمی‌دهد کوچک‌ترین دخالتی در کشور اسلامی ایران نماید. و این خود حجت قاطعی است برای مسلمانان و مظلومان جهان که به خواست ملت‌ها کسی نمی‌تواند دست تجاوز دراز کند و با آن مخالفت نماید و ملتی که بین ذلت و شهادت، دومی را انتخاب نموده است شکست‌پذیر نیست (امام‌خمينی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۴۲).

و) اعلام حمایت همه‌جانبه از بیداری اسلامی: با توجه به این که قاموس حرکت حضرت امام (ره)، انجام وظیفه در راستای فرامین الهی می‌باشد، لذا این اندیشه، محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌باشد. حضرت امام می‌فرماید: «از همه کشورهای زیر سلطه، برای به دست آوردن آزادی و استقلال، کاملاً پشتیبانی می‌نماییم و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتاری است، قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ و روزگار براندازید. من بارها گفته‌ام و هم‌اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستم‌کشیده و آفریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند» (پیام حضرت امام به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب، ۱۳۵۸/۱۲/۲۲).

ی) ناتوانی قدرت‌ها از مقابله با ملت‌های بیدار (آشکار شدن جلوه‌های بیداری در ملت‌ها): فریادی که از قلب مؤمن است بر همه چیز غلبه می‌کند؛ بر کاخ سفید هم غلبه می‌کند و غلبه کرده است. و موج این ایمان در سرتاسر دنیا از زیر بار این ظلم‌هایی که در طول تاریخ بر آن شده است، از زیر این بار دارد در می‌آید. همه جا نغمه این است که ظلم نه. دست توانای ملت‌ها، ابرقدرت‌ها را به جای خودشان نشانده و می‌نشانند. ملت‌های مستضعف در هر جای جهان رو به بیداری هستند، نمی‌پذیرند امروز دیگر آن حرف‌هایی که سابق گفته می‌شد، آن ارباب‌هایی که می‌کردند و کشتی‌هایی که می‌آوردند در اطراف خلیج فارس و امثال این‌ها، یا کارهای دیگری که می‌کردند. تمام این‌ها کهنه شده است. دیگر پیش مردم ارزش ندارد. ملتی که بیرون آمده روز جمعه و می‌گوید که «ما برای شهادت آمديم» آن‌ها را از مردن نترسانید، این شهادت است. ان‌شاءالله خداوند به همه ملت، ملت‌های اسلامی، قدرت ایمان عنایت کند و قدرت ایمان ملت ما را روزافزون کند (امام‌خمينی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۲۹۰).

## نتیجه‌گیری

بیداری اسلامی، یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی که می‌تواند به تحولی بزرگ منجر شده و قیام‌ها و انقلاب‌هایی را پدید آورد که هرگز در محاسبه شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمی‌گنجد و خیزش‌های عظیمی است که

حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آن‌ها را مغلوب و مقهور ساخته است. در واقع بیداری اسلامی جنبشی اجتماعی، فکری و سیاسی در جهان است و هدف آن احیای هویت، ارزش‌ها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با استعمار، استبداد، بی‌عدالتی، ظلم، کفر و نقد نظام غیردینی و ناعادلانه جهانی است. بیداری اسلامی به مفهوم ظهور اسلام ناب و پاک در انسان و جامعه است.

بیداری مسلمانان جهان در برابر توطئه‌های مستکبران یکی از موضوعات مهمی است که امام خمینی (ره) قبل از پیروزی انقلاب آن را عنوان و مطرح نمود. زلال کوثر همیشه جاری آموزه‌های اسلام ناب در میهن اسلامی ایران، چشمه‌های بیداری اسلامی را در جهان اسلام پدیدار ساخته است. رویش دوباره اسلام و تبدیل آن به یک تفکر برتر جهت هدایت انسان و اداره جامعه وارد مرحله جدیدی شده است که می‌توان آن را عصر شکوفایی اسلام دانست و در حقیقت، موج پر عظمت اسلام، ملت‌های محروم و تحت ستم سراسر عالم را تکان داده است و در واقع به گفته امام خمینی (ره) جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، جنگ حق و باطل، جنگ پابرنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است.

هر روزه بر گروه عظیم بیدارشدگان جهان اسلام و دیگر ملت‌های تحت ستم افزوده می‌شود که عزم خود را برای مبارزه با استکبار جهانی جزم نموده‌اند. امام خمینی (ره) برجسته‌ترین رهبر معاصر جهان اسلام بوده است که بیش از سی سال قبل بیداری اسلامی را بنیان نهاده است و اکنون پیش‌بینی‌های راهبردی و دستورالعمل‌های کاربردی ایشان یکی پس از دیگری تحقق می‌یابد و فتح جهان توسط اسلام را نوید می‌دهد. پیوستگی بیداری اسلامی و گسترش شعاع تابناک آن در دیگر کشورهای مظلوم، زمینه‌ساز فراهم آمدن حکومت جهانی عدل و طلوع خورشید امامت و انسان کامل در جهان است که امام (ره) آرزوی آن را داشت.

حضرت امام، همواره بر خودسازی و تزکیه نفس تأکید فراوان دارند. ایشان بی‌تفاوتی نسبت به ظلم و خودِ ظلم کردن را نتیجه عدم تزکیه و خودسازی افراد می‌دانند و تزکیه را مقدمه نفی ظلم می‌دانند. ایشان همواره بر بیداری همه ملت‌ها، صرف‌نظر از جغرافیایی که در آن قرار دارند تأکید کرده‌اند و مبارزه را در هر کجا که باشد مدنظر دارند. مقابله با ظلم و مبارزه با طاغوت را منحصر در جا و مکان خاصی نمی‌دانند و تأکید دارند که مسلمانان در هر کجای عالم که هستند نباید اجازه جور حاکمان را بدهند. در واقع امام در همه حال بر بیداری و آگاهی امت اسلامی تأکید داشته و دو عنصر تحجر و جزماندیشی؛ و خودباختگی آفت بیداری اسلامی از نگاه ایشان است. ایشان از بزرگ‌ترین پایه‌گذاران بیداری اسلامی در جهان است. موضوع بیداری اسلامی در نگاه امام (ره) با موضوع صدور انقلاب نیز ملازمه دارد. از اقدامات عملی ایشان برای صدور انقلاب این نکته دریافت می‌شود که برای تحقق این مهم (صدور انقلاب) نیازی به کاربرد زور نیست، بلکه تأکید بر آگاهی بخشی و بیداری اسلامی است.

## کتاب‌نامه

### کتاب‌ها

- ام‌رای، حمزه، (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
  - دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۵). انقلابی متمایز: جستارهایی در انقلاب اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
  - موسوی، سید محمد (۱۳۹۰). گونه‌شناسی جنبش‌های اسلامی در قرن بیستم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
  - موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
  - \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.
  - ورعی، سیدجواد (۱۳۷۸). امام خمینی و احیای تفکر اسلامی، تهران، نشر عروج، ۱۳۷۸.
- مقالات و نشریه‌ها
- ثمودی، علیرضا، (۱۳۹۰). اکبری، محمد، بیداری اسلامی و تأثیر آن بر تحقق آرمان فلسطین، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره ۸.

- حسینی، محمدتقی (۱۳۹۰). بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال دوم، شماره دوم.
- حسین‌زاده، عبدالرضا، (۱۳۹۱). عارفی، علی، تأثیرپذیری بیداری اسلامی از اندیشه‌های امام خمینی (ره)، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ، سال یازدهم، شماره ۳۰،
- سلیمان‌پور، محمدجواد (۱۳۷۸). دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از دیدگاه امام (ره)، مجله مصباح، شماره ۳۰،
- شیبانی‌فر، محمدحسن (۱۳۸۳). بیداری اسلامی و موانع آن در اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۰.
- شیدائیان، حسین (۱۳۹۱). امام خمینی و بیداری اسلامی، فصلنامه حصون، شماره ۳۶.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- قاسمی‌آرانی، ابوذر (۱۳۹۲). امام خمینی و بیداری اسلامی، فصلنامه جبل‌المتین، دوره دوم، شماره دوم.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰). نقش امام خمینی و انقلاب اسلامی در بیداری ملت‌ها، نشریه آفاق مهر، سال هشتم، شماره ۴۴.
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۱). بیداری اسلامی؛ تقابل اسلام و غرب بر مبنای اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مجله بیداری اسلامی، شماره ۲۲ انتشارات دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی).

